

بایسته های آموزش درس فلسفه دوره دوم دبیرستان

★ مرضیه صفاریان¹

★★ سید محمدکاظم علوی²

★★★ محمد رضا ارشادی نیا³

چکیده

فرایند یاددهی - یادگیری درس فلسفه از پیچیدگی هایی ویژه برخوردار است و معلم یکی از مولفه های تاثیرگذار در این امر به شمار می آید. او با نقش ویژه و کلیدی خود برای آموزش درس فلسفه، باید ابتدا مهارت هایی را کسب نموده و با پرورش قدرت و توانایی تفکر که از اهداف تدریس فلسفه است، آمادگی های لازم را حاصل نماید. در این میان، او از انواع روش های تدریس در راستای پرورش فکری دانش آموزان بهره می برد؛ به طوری که هر یک از این روش ها به نحوی در پیشبرد اهداف آموزشی وی موثر باشند. وی با سنجش ظرفیت و ویژگی های دانش آموزان کلاس می تواند از یک یا دو روش و گاهی به صورت تلفیقی در تدریس خود استفاده نماید. برخی از این روش ها جنبه فردی و بعضی دیگر جنبه گروهی خواهد داشت. آموزگار با استفاده از شیوه های گوناگون و بهره برداری از خلاقیت خود، علاوه بر جذاب کردن درس و پویایی کلاس، با تغییر نگرش و رفتار دانش آموزان روبرو خواهد شد.

کلید واژه ها: فلسفه، تفکر، آموزش، دبیرستان

مقدمه

در هر جامعه ای، آموزش به عنوان امری مهم تلقی گردیده و از ارکان پیشرفت آن به شمار می آید؛ زیرا آینده هر جامعه ای به دست نوجوانانی است که با آموزش و تقویت مهارت های خود، در آینده مسئولیت های مختلفی را در جامعه به عهده خواهند گرفت. آنان آینده ای را خواهند ساخت که ما امروز سکاندار آن هستیم. یکی از آموزش های مهم برای نوجوانان، آموزش تقویت بنیه فکری و توانایی حل مساله است.

¹ ★ دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری

² ★★ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه حکیم سبزواری

³ ★★★ دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه حکیم سبزواری

توانایی فکر کردن آن چیزی است که نسل بشر را از سایر موجودات جدا می‌کند. انسان به عنوان یک گونه، نیازی ذاتی به استفاده از اطلاعات موجود در محیط خود برای مبارزه با چالش‌های پیچیده‌ای دارد که با آن روبه‌رو است. فهم و درک منطقی مستلزم آن است که انسان درباره موضوعات مختلفی همچون مشکلات و راه حل آن‌ها و دیدگاه‌های دیگران فکر کند. مخصوصاً دیدگاه‌هایی که فکر می‌کند، اشتباه هستند. تفکر درباره دیدگاه‌های دیگران نقش بسزایی در رشد و پرورش انسان به عنوان فردی متفکر دارد. (الدر، 1390، ص10)

یکی از دروس دبیرستانی که در جهت تقویت اندیشه و تفکر انسان موثر است، درس فلسفه است. در این دوره آموزشی، معلم همچون باغبانی است که نهال دانشی که بر ضمیر وجودی متعلم روئیده شده را مورد توجه و پرورش خود قرار داده تا به درختی تنومند تبدیل نماید. از این روی مسئولیت مهم آموزش، وظیفه‌ای سنگین بر دوش معلم گذاشته که در این راستا او را به سوی تدریس بهتر رهنمون خواهد شد. دبیر فلسفه قبل از هر چیز باید به دنبال ماهیت آموزش این درس باشد. این مطلب از اهمیت چندانی برخوردار است که فلسفه چه هدف و غایتی را دنبال نموده است.

هدف از آموزش فلسفه چیست و چه غایتی از آموزش آن در دبیرستان متصور است؟ این آموزش‌ها از چه زمانی شروع شده و چه هدفی را دنبال می‌کند؟ آیا آموزش این درس در دبیرستان همچون دروس دانشگاه باید به صورت تخصصی پیگیری شود یا این که دانش آموز دبیرستانی باید صرفاً تعدادی از واژه‌ها و الفاظ و مفاهیمی مختص به این رشته که در زبان عامیانه نیز، چندان کاربردی ندارد را بیاموزد و پس از اخذ نمره قبولی در آزمون پایانی درس، همه محفوظات خود را که واژه‌های ثقیل و نامانوسی هستند را فراموش نماید و خود را برای همیشه از شر فلسفه‌رهایی بخشد. در ادامه برای یافتن پاسخ این سوالات تلاش خواهیم نمود.

غایت و هدف آموزش فلسفه

در پایان قرن نوزدهم پایه‌های نهضت فلسفه برای کودکان، در واکنش پیشرفت گرایان به دایره المعارف گرایان در زمینه یادگیری و جایگاه کم و حاشیه‌ای کودکان در مدرسه شکل گرفت. این نهضت برخلاف دیدگاه‌های دایره المعارف گرایان که بر کسب دانش از راه حافظه تأکید می‌کردند، بر فلسفی شدن طبیعی کودکان در مفاهیم بنیادین زندگی تأکید می‌کرد. بعدها ماتیو لیپمن که به عنوان بنیانگذار برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان شناخته می‌شود، یک تجربه آموزشی خلاق را در عرضه جانشینی برای حافظه مداری، در جهت آموزشی که نیازهای اساسی کودکان را برآورده کند، ارائه کرد. (سرمدی و همکاران، 1400، ص127)

درس فلسفه مبتنی بر اصول اساسی اندیشیدن و آموزش اندیشه ورزی است. آن چه از دانش آموز می توان انتظار داشت، ایجاد روحیه اندیشیدن در دانش آموزان است. تفکر و اندیشه کردن از اهداف مهم آموزش این درس در دبیرستان به شمار می آید. تفکر از منظر حکیم سبزواری حرکت فکر از مجهول به سوی معلوم است. به اصطلاح حرکت و انتقالی که برای نفس در ادراک جزئی صورت می گیرد را اندیشه گویند. (مظفر، 1382، ص 35)

در سیستم آموزشی سطح پایین از دانش آموزان خواسته می شود تا اندیشه و آرای برخی از فلاسفه را حفظ کرده و به خاطر بسپارند و یا در آزمون ارائه نمایند، اما در سیستم های رشد یافته به دانش آموزان مهارت تفکر صحیح آموزش داده می شود. از نظر برخی از صاحب نظران، بسیاری از مدارس فاقد برنامه های لازم جهت آموزش تفکر صحیح و منطقی هستند که این موضوع قابل توجه است. (صمدی و دیگران، 1389، ص 84)

اینکه صرفاً از دانش آموز خواسته شود تا برخی از اندیشه و آرای برخی از فلاسفه را حفظ کرده و به خاطر بسپارد، خیلی تفاوت دارد با اینکه با آموزش های ویژه ای به دانش آموز، این توانایی را ببخشیم تا بتواند به درستی و با مهارت تفکر کند. پژوهش گر صرفاً آرای را جستجو می کند ولی انسان متفکر، تفکراتی را در ذهن تقریر می کند.

تفکر یک عملیاتی ذهنی است و نوعی اکتشاف محسوب می گردد. در واقع انسان در طی فرآیند تفکر با حرکت از مجهول به معلوم به کشف حقیقتی دست خواهد یافت که این فرآیند در چند مرحله صورت می گیرد. مرحله اول، در نظر گرفتن مورد مطلوب یا آنچه که مجهول است و برای رسیدن به آن تلاش داریم. مرحله دوم، بررسی مفروضات و گزینش معلومات و مقدمات لازم است که با مطلوب یا مجهول تناسب دارند. مرحله سوم، تنظیم و ترتیب مفروضات و مقدمات اولیه برای دستیابی به مجهول و در مرحله چهارم استنتاج مجهول از مفروضات و مقدمات اولیه شکل می گیرد و به جواب منتهی می شود. (جمشیدی، 1390، ص 137)

تفکر، همان عملیات قوه عاقله است که قوه نظری انسان می باشد. انسان دارای دو قوه نظری و عملی است. هر یک از این قوا دارای لوازم و توابعی می باشند؛ اما قوه عاقله از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است؛ زیرا که قوه عملی نیز به خدمت قوه نظری در آمده و عقل، حاکم بر اعضا و جوارح انسان است.

از این روی تفکر، تعیین کننده و جهت دهنده فعل بوده و اندیشیدن دارای اهمیت ویژه ای است که در روایتی پیامبر گرامی اسلام (ص) ارزش اندیشیدن را از عبادت و شب زنده داری بهتر دانسته (کلینی، 1362، ص 54) و امام علی (ع) اندیشیدن را سبب بینایی و بصیرت (سید رضی، 1387، ه، نامه 31) و نجات از مهلکه ها و گرفتاری ها بیان نموده است؛ زیرا هر عملی، آنگاه از کمال برخوردار است که بر مبنا و اصول

فکری والایی صورت گرفته باشد و از این منظر اندیشه، اصل و عمل فرع بر آن است.

برنامه های آموزشی مدارس در ایران حاکی از آن است که درس فلسفه تنها در دوره دوم دبیرستان و صرفاً در دو پایه یازدهم و دوازدهم برای دانش آموزان رشته انسانی ارائه می شود و با وجود اینکه آموزش فلسفه، آموزش درست اندیشیدن برای درست زیستن و برخورداری از قدرت اندیشه و قضاوت صحیح و همچنین آموزش مهارت های مورد نیاز هر فرد برای زندگی در جامعه در حال رشد و پیشرفت است، به ارائه آن در مدارس ایران توجه ویژه و ژرفی نشده است. در واقع در نظام آموزشی ایران، فرض بر این است که فلسفه درسی بسیار پیچیده و دشوار بوده که یادگیری آن نیازمند تفکر انتزاعی است و این تفکر پس از سال های نوجوانی بروز می کند. (صمدی و دیگران، 1389، ص 84)

لیپمن با الهام از فیلسوف و کارشناس برجسته آموزشی، جان دیویی، یک مدل کلاسی را در نظر داشت که دانش آموزان آن، با مشارکت هم در یادگیری خود نقش دارند و فقط کنجکاوی و حس شگفت زدگی، آن ها را به یادگیری بیشتر وادار می کند. وی باور داشت که در چنین کلاس هایی، دانش آموزان می توانند به گونه ای پرورش یابند که در برابر جامعه، خود را مسئول بدانند و فعالانه برای پیشرفت آن همکاری کنند. (سرمدی و همکاران، 1400، ص 127)

رویکرد ویژه «فلسفه برای دانش آموزان» بر این فرض استوار است که اگر کودکان و نوجوانان در بحث های گروهی با پرسش های باز درباره موضوع های مورد علاقه شان درگیر شوند، مهارت های استدلال کردن به بهترین شیوه در آن ها پرورش می یابند. (بنیسی و همکاران، 1398، ص 53) پرسش های باز به پرسش هایی گفته می شود که پاسخ های گوناگون دارند. این پرسش ها در برابر پرسش های بسته جای می گیرند که پاسخ های سرراست دارند. برای نیل به این موضوع، باید راهکارهای پرورش توانایی های اندیشیدن تقویت شود.

راهکارهای پرورش توانایی اندیشیدن

آن گاه که فرد قدرت تجزیه و تحلیل امور مختلف را داشته باشد به باروری فکری رسیده و این امر مستلزم فراهم نمودن مقدماتی است. محفوظات بالا در این زمینه صرفاً نقش یاری دهنده دارند؛ اما اینکه چگونه فرد بتواند از میان محفوظات و داشته های ذهنی خود، به تجزیه و تحلیل بپردازد، سعی و کوششی دیگر می طلبد. در این میان، دبیر نقش کلیدی در جهت دهی فکری دانش آموزان دارد. وی برای ایفای نقش خود، مستلزم فعالیت هایی است که او را در این زمینه یاری نماید. او می تواند با به کار گیری اصول و موازین علمی، رشد فکری دانش آموزان را توسعه دهد. البته تقویت اندیشه و توانایی تجزیه و تحلیل نیازمند ممارست و تمرین بوده و لوازمی را می طلبد که در ادامه به بررسی این لوازم پرداخته خواهد شد.

پشتوانه علمی

مایه تفکر، علم است. و امر به هر چیزی امر به مقدمه آن است و چون تفکر بدون علم میسر نیست؛ لذا امر به تفکر خود امر به سرمایه آن (کسب علم) نیز هست. پس انسان برای تفکر، ابتدا باید علوم مورد نیاز را کسب نماید و آنگاه با تکیه بر آن به تجزیه و تحلیل و تفکر روی آورد. تفکر بدون پشتوانه علمی همچون کارخانه ای است که مواد خام اولیه کم داشته که در اینصورت محصولش نیز کم خواهد بود. آموزگار با کسب مهارت و با به کارگیری روش های تدریس می تواند در فراهم کردن این پشتوانه علمی تاثیر گذار باشد. به هر میزان دانش و معلومات معلم در مبحثی که تدریس می کند بیشتر باشد، در تفهیم مطالب به دانش آموزان یاری رسانده و موجب سرعت انتقال اطلاعات به دانش آموزان خواهد شد. (شعبانی، 1377، صص 134-136)

امروزه پیشرفت علم با سرعت نور در حرکت است و معلم با مطالعات و کسب دانش روز و به اصطلاح به روز شدن و با ارتباط برقرار کردن میان دانش قبلی و جدید در انتقال مطالب به نسل نو راحت تر خواهد بود و متناسب با نیاز این نسل پاسخگوی سوالات آنان می باشد. آنچه که از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، رهایی دانش آموزان از سردرگمی در دریای اطلاعاتی است که امروزه به راحتی قابل دسترسی می باشد. معلمان در این زمینه به عنوان راهنما و مشاور بسیار تاثیر گذار خواهند بود.

شاید در روزگاری کسب معلومات کار دشوار و مشقت بار بود و فرد باید سختی های زیادی متحمل می شد تا بتواند اندک اطلاعاتی به دست آورد و گاه باید سفرهای طولانی و مسیرهای صعب و دشواری را برای آموختن دانش طی می کرد؛ اما امروزه کسب دانش و اطلاعات آسان ترین و از دسترسی ترین امور به شمار می آید. به طوری که دسترسی به اینترنت، مواد اولیه کارخانه فکری را به راحتی فراهم نموده است. و همین امر دانش آموزان را با خطراتی جدی تهدید می کند که معلم با آموزش های صحیح خود، می تواند مانع انحراف در این مسیر گردد.

گوش کردن موثر

یکی دیگر از راههای پرورش فکر، مهارت گوش دادن موثر است. گوش یکی از ابزارهای قوای نفس انسان و از آلات ادراک و فهمیدن به شمار می آید. خوب گوش کردن به خوب فهمیدن کمک می کند. خوب گوش کردن موجب برقراری ارتباط میان معلم و متعلم شده و سبب دریافت هر چه بهتر مطلب می گردد. معلم نیز با فراهم کردن بستری مناسب، توانایی خوب گوش کردن و در نتیجه درک بهتر را در دانش آموز ایجاد می کند. شیوه تدریس مناسب و سنجیده نیز، می

تواند زمینه ساز رشد فکری در دانش آموزان درس فلسفه گردد. تدریس معلم به عنوان راهبر در کلاس، نقش موثر و پیچیده ای در پرورش مهارت تفکر منطقی دارد و از این روی در ادامه به بیان روش های تاثیرگذاری آموزگار در فرآیند تدریس پرداخته شده است.

روش تدریس

در فرهنگ فارسی معین روش یا متد به شیوه، راه، طریقه، طرز و اسلوب معنی شده است و به طور کلی در راه انجام دادن هر کاری را روش گویند.

روش تدریس عبارت از راه منظم، با قاعده و منطقی برای ارائه درس می باشد. آموزش، فعالیتی است هدف دار و از پیش طراحی شده که هدف آن فراهم نمودن فرصت ها و موقعیت هایی است تا امر یادگیری تسهیل یافته و به آن سرعت بخشد. آموزش، وسیله ای است برای پرورش؛ بنابراین با هدف مشخصی صورت می گیرد؛ پس یک طرح از پیش تعیین شده و نقشه راهی است که معلم را جهت رسیدن به هدف و غایت مشخص پیش می برد. تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد بر مبنای طرحی منظم و هدفمند که معلم به جهت تغییر در رفتار دانش آموز تنظیم نموده است. این طراحی دقیق، منطقی و منظم شامل تغییر در نگرش، گرایش، باور، عادت و انواع تغییراتی است که مربی در نظر دارد. یا توجه به این تعاریفی که از آموزش و تدریس ارائه شد می توان دریافت که به آن قسمت از فعالیتهای آموزشی که به وسیله رسانه ها و بدون حضور و تعامل معلم با دانش آموزان صورت می گیرد به هیچ وجه تدریس گفته نمی شود؛ بنابراین آموزش معنایی عام تر از تدریس دارد و می توان گفت هر تدریسی آموزش است؛ اما هر آموزشی ممکن است تدریس نباشد. در سیر تحول فرایند یاددهی - یادگیری، شیوه های متنوعی از تدریس پا به میان گذاشتند؛ شیوه هایی همچون روش کنفرانس، روش پروژه ای، شیوه نمایشی، روش تدریس یادسپاری، شیوه ایفای نقش، روش گردش علمی و شیوه تدریس آزمایشگاهی. از میان روش های متعدد تدریس در این پژوهش به بررسی چند روش مهم که در تدریس فلسفه و در جهت پرورش اندیشه کاربرد موثری دارند، پرداخته شده است. معلم فلسفه با استفاده از این شیوه ها و طرح درس های مناسب، به اهداف مورد نظر دست خواهد یافت. این روش های مهم شامل روش بحث گروهی، روش چالشی، روش ساختاری یا پیوسته و روش سخنرانی می باشد.

روش چالشی و مسئله محور

در این شیوه یک موضوع (پرسش) یا مسئله ای در آغاز کلاس توسط معلم مطرح شده و از دانش آموزان خواسته می شود که با داشته های پیشین خود درباره این موضوع اظهار عقیده نمایند و در پایان معلم با توجه به نظرات و عقاید دانش آموزان به بیان پاسخ می پردازد و نتیجه بحث را بیان می کند. معلم در این روش می تواند از راه های مختلف برای طرح مسئله در ذهن دانش آموزان استفاده نماید

و در این رابطه باید به خصوصیات فراگیران توجه کند. ویژگی هایی همچون سن، میزان تحصیلات، رشد ذهنی و عاطفی و ویژگی های فرهنگی، شرایط اجتماعی و اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد. طرح سوال و به چالش کشیدن، متعلم را ناچار به تفکر و اندیشیدن می نماید و ناگزیر است برای یافتن جواب، به تجزیه و تحلیل مطالب علمی پردازد. معلم نقش راهنما و مشاور را در فرایند تدریس بازی می کند و محتوای آموزشی از پیش تعیین شده نیست؛ لذا تنها معلمان قوی و با تجربه و پژوهشگر از عهده این روش بر می آیند. دانش آموزان نیز با نظر به اطلاعات و تجربیات خود و علاقه و رغبتی که به حل مسئله دارند، نقش پویا و فعالی را در کلاس به عهده خواهند داشت. آنان در این الگو احساس مسئولیت بیشتری می نمایند و این مسئولیت پذیری زمینه رشد و بالندگی را در آنان فراهم می نماید و در این راستا روحیه پژوهش، انتقادگری و خلاقیت آنان نیز پرورش خواهد یافت. آموزگار در این روش با به چالش کشیدن دانش آموز او را به تفکر و تجزیه و تحلیل داده ها وادار نموده و استمرار این شیوه تدریس با گذشت زمان به تقویت مهارت حل مسئله تبدیل می شود که در طول زندگی و در رویارویی با مسایل گوناگون مثمر ثمر خواهد بود.

روش مباحثه گروهی

روش بحث گروهی، گفتگویی است سنجیده و منظم درباره موضوعی خاص که مورد علاقه مشترک شرکت کنندگان در بحث است. در این روش تمامی افراد جمع حاضر در بحث و گفتگو مشارکت کرده و امکان اظهار نظر برای همه افراد وجود دارد. این روش از طریق بارش فکری از سوی دانش آموزان صورت می گیرد و هر یک از افراد با به اشتراک گذاشتن عقاید، تجربیات و نظرات خود با سایر افراد کلاس، موضوع مورد بحث را تکمیل نموده و به نتایجی دست می یابند.

این روش قابلیت استفاده در جمعیتی بین ۶ تا ۲۰ نفر را دارد. نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که بهتر است هر یک از دانش آموزان قبل از ورود به بحث گروهی، پیش مطالعه ای از مبحث مورد گفتگو داشته باشند و با اطلاعات و آگاهی قبلی به گفت و گو پردازند. در این روش هر یک از دانش آموزان به تنهایی نقش بسزایی در پیشبرد موضوع بحث داشته و به گونه ای می تواند مکمل گفت و گوی گروهی باشد و با نقش آفرینی هر یک از افراد، گروه به نتیجه و کشف جدید دست خواهند یافت. نقش معلم نیز، صرفاً هدایت دانش آموزان به سوی هدف و غایت از پیش تعیین شده می باشد. معلم در طی مراحل گفت و گو، پیوسته کنترل می کند تا گفت و گو از مسیر اصلی خود منحرف نگردد و به کشف و نتیجه مورد نظر منجر گردد. البته اینکه از چه استدلال و مفاهیمی استفاده شود و یا چه تجزیه و تحلیلی صورت بگیرد، توسط دانش آموزان معین می گردد. این روش، نوعی تدریس و آموزش غیر مستقیم است که نه تنها موجب ایجاد علاقه و بالا بردن تمرکز دانش آموز در کلاس می گردد؛ بلکه پرورش دهنده تفکر انتقادی نیز می باشد که دانش آموز را به سوی اندیشیدن و تجزیه و تحلیل سوق داده و موجب تقویت اعتماد به نفس دانش آموز و در نهایت به تقویت مهارت تفکر می

انجامد که در این شیوه آموزگار به صورت غیر مستقیم و با مشارکت و همفکری گروهی و تضارب اندیشه، دانش آموزان را به سوی روش های حل مساله سوق می دهد.

روش سخنرانی

این روش سابقه ای طولانی در نظام آموزشی داشته که معلم به صورت شفاهی و مستقیم، به انتقال مفاهیم درسی می پردازد. یادگیری از طریق گوش دادن به مطالب ارائه شده و یادداشت برداری انجام می گیرد. معلم باید قبل از شروع کلاس آمادگی لازم جهت سخنرانی و ارائه مطالب را داشته باشد. آمادگی روحی و روانی و مدیریت وقت و زمان به همراه آمادگی تجهیزات مورد نیاز باید مورد توجه معلم قرار گیرد. در این شیوه دانش آموزان یک کلاس به رغم تفاوت هایی که با هم دارند تحت آموزش یکسانی قرار می گیرند و چون معلم، متکلم وحده است شاگردان چندان فعال نیستند. لذا معلم باید به طرق مختلف تمرکز دانش آموزان را به بحث جلب نماید. شاید چنین به نظر برسد که در این روش هیچ تفکر و اندیشه ای برای دانش آموز صورت نگرفته است و معلم صرفا نظرات خود را بیان نموده است، اما نباید فراموش کرد تا دانش آموز پیشینه ذهنی و اصول اولیه را نیاموخته باشد که به عنوان زیربنای سرمایه علمی او به شمار آید، چگونه می تواند بنای استدلال های خود را بر آن بنا نهد و به تجزیه و تحلیل مطالب بپردازد؛ بنابراین در روش سخنرانی، دانش آموز با کسب دانش اولیه، شالوده تفکرش پایه ریزی می شود و این روش به عنوان یک روش مناسب می تواند مکمل روشهای دیگر باشد که بنا به صلاحدید آموزگار در هر زمانی اجرایی گردد.

روش ساختاری یا پیوسته

روش ساختاری یک مطلب یا مفهوم کلی است که در مقدمه تدریس توسط معلم بیان می شود تا مبحث جدید، با مباحث پیشین همان درس، مربوط و مرتبط می گردد. در این الگو مطالب از کلی به جزئی مورد بررسی قرار می گیرد. معلم در ابتدا به عنوان مقدمه و به جهت ورود به درس جدید، گزیده ای از مطالب گذشته را ارائه داده که معمولا مطالب کلی درس گذشته هستند، سپس به ارائه مطالب درس جدید می پردازد و در نهایت برای تفهیم بیشتر مطالب جدید، مثالها و نمونه هایی را ارائه می دهد. در این روش، معلم انتقال دهنده و ارائه کننده مفاهیم درس و دانش آموزان دریافت کننده مطالب درسی هستند. با توجه به این مطلب نقش معلم پررنگ تر از دانش آموزان می باشد؛ لذا وی برای ارائه مطالب درسی باید مناسب ترین پیش سازمان دهنده را انتخاب کند. البته می تواند با طرح پرسش های راهنمایی کننده، دانش آموزان را در فرایند آموزش در جهت فهم بهتر مطالب یاری نماید. برای ارائه مطالب، معلم نیز می تواند از شیوه های مختلفی از جمله تصویر یا فیلم استفاده کند. در این روش تمام تصمیمات و محتوای درس توسط معلم تعیین گردیده و به نیازها و علایق شاگردان کمتر توجه می شود. این شیوه

نیز مانند شیوه سخنرانی به وجود آورنده خمیر مایه علمی دانش آموزان بوده و آنان را در راستای تقویت تفکر و اندیشه یاری می نماید.

نحوه انتخاب روش تدریس

پس از آشنایی با برخی از بهترین شیوه های تدریس درس فلسفه در جهت تامین هدف اندیشه ورزی و سوق دادن دانش آموزان به سوی تفکر، مسئله ای که مطرح می گردد این است که معلم بر اساس چه معیارها و مولفه هایی باید طرح درس خود را تدوین نماید؟ هدایت دانش آموزان به سوی تفکر و اندیشیدن مستلزم انتخاب روشی مناسب می باشد که آموزگار، آگاهانه و با کسب مهارت های لازم می تواند به خوبی از عهده این امر مهم برآید. برای تدوین برنامه آموزشی، معلم باید نکاتی را رعایت کند. ابتدا باید هدف هر درس برای معلم روشن باشد و اینکه آیا این درس هدفی دانشی داشته و یا هدفی مهارتی و انگیزشی را دنبال می کند. معلم کارآمد با توانمندی بالا در جهت تامین اهداف تدریس فلسفه برنامه ریزی می نماید. وی همچنین به دنبال خروجی متناسب با درس می گردد؛ بنابراین در انتخاب شیوه خود بیشترین دقت را کرده تا روشی را جهت رسیدن به هدف آموزشی متناسب با وضعیت دانش آموزان برگزیند. او صرفاً به دنبال رفع تکلیف نیست؛ بلکه منتظر تغییر رفتار و نگرش دانش آموزان در تدریس خود می باشد. او توانایی خود را در ابعاد گوناگون گسترش می دهد. انتخاب روش تدریس مناسب، نیازمند توجه وی به مولفه های گوناگون اعم از میزان ظرفیت کلاس با توجه به شرایط و مختصات دانش آموزان است. نکته مهم اینکه ویژگی های شخصی معلم در کنار ماهیت محتوای آموزشی مورد نظر، می تواند راهنمای مناسبی برای انتخاب روش تدریس باشد. خلاصیت معلم در این امر نقش مهمی را ایفا می کند. وی در روش تدریس خود سعی می کند تا با جذاب کردن کلاس به شیوه های گوناگون به همراه پویایی دانش آموزان کلاس در امر آموزش تاثیر گذاری بیشتری داشته باشد. توجه با این امور موجب می گردد گاهی از یک روش و گاهی از تلفیق چندین روش در تدریس خود استفاده نموده تا به نتیجه مورد نظر برسد. (شعبانی، 1377، صص 122-143)

نتیجه :

یادگیری صرفاً شامل یادآوری و به خاطر سپردن محفوظات علمی نیست؛ بلکه سبب ایجاد ارتباط، تفکر انتقادی، درک، ارتباط ایده ها، تفکر مستقل و انتقال دانش به زمینه های مختلف می گردد. فرایند یاددهی و یادگیری درس فلسفه که همواره از آن به عنوان یکی از دروس پیچیده دبیرستان نام برده می شود، نیازمند روش هایی هدفمند، روشمند و سودمند در تدریس می باشد تا به عنوان یکی از دروس موثر بتواند علاوه بر پایه ریزی تفکر و اندیشه نوجوانان، به تقویت مهارت های فکری آنان در رویارویی با چالش های زندگی پردازد. یادگیری غالباً با آموزش

همراه است و توانایی آموزگار و روش های آموزش وی، تأثیر مستقیمی و انکارناپذیری بر دانش آموزان دارد.

او با نقش ویژه و کلیدی خود برای آموزش درس فلسفه، باید ابتدا مهارت هایی را کسب نماید و آمادگی های لازم را حاصل نموده و سپس از انواع روش های تدریس در راستای پرورش فکری دانش آموزان و پیشبرد اهداف آموزشی موثر خود بهره برداری نماید. او با سنجش ظرفیت کلاس و ویژگی های دانش آموزان می تواند از یک یا چند روش به صورت تلفیقی در تدریس خود استفاده نماید. برخی از این روش ها جنبه فردی و بعضی دیگر جنبه گروهی خواهد داشت. آموزگار با استفاده از شیوه های گوناگون و بهره برداری از خلاقیت خود، به ایجاد انگیزه یادگیری درس فلسفه پرداخته و با پویایی دانش آموزان در کلاس، به تغییر نگرش و رفتار دانش آموزان می پردازد و به نتیجه مطلوب خود که همان تقویت تفکر منطقی، ایجاد مهارت حل مساله و تقویت روحیه آنان در مواجهه با مشکلات زندگی خواهد رسید.

منابع:

- الدر، لیندا و ریچارد پاور. (1390). 25 روز تفکر تا زندگی برتر. مترجم: زهره شهرستانی. قم: ملینا.
- بنیسی و همکاران، پریناز. (1398). تأثیر آموزش فلسفه به کودک بر تحمل ابهامات و مهارت های اجتماعی. مجله روانشناسی اجتماعی. سال سیزدهم. شماره 50. صص 45-55.
- جمشیدی، حسن. (1390). تفکر محوری و پژوهشگری در آموزش حوزه. (شماره 159-160). صص 316-344.
- سرمدی، محمدرضا، و دیگران. (1400). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر رفتار محیط زیستی دانش آموزان پایه هفتم متوسطه. فصلنامه انسان و محیط زیست. تابستان 1400. شماره 57. صص 125-136.
- سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین. (1387 ه). نهج البلاغه. ضبط نصّه و ابتکر فهارسه العلمیه: صبحصالح. بیروت: الطبعه الاولى.
- شعبانی، حسن. (1377). مهارتهای آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، تهران: سمت، چاپ هشتم.
- صمدی و دیگران، پروین. (1389). بررسی تطبیقی برنامه درسی فلسفه در پایه سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی با برنامه درسی فلسفه برای کودکان در پایه 11 و 12. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره 106، صص 81-104.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (1362). تهران: اسلامیه. چاپ دوم. ج 2.
- کنعانی هرندی و همکاران، ستاره. (1397). الگوی برنامه ریزی آموزش فلسفه برای کودکان بر اساس نتایج تحقیقات مرتبط، فصلنامه علمی

پژوهشی تفکر و کودک پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال
نهم. شماره 2. پاییز و زمستان، صص 115-142.

- مظفر، محمد رضا. (1382). شرح المنطق، مترجم: حسین احمدی
شاهرودی. قم: انتشارات طلوع مهر، ص 35.

پایان